



شایسته سالاری در جامعه اسلامی از دیدگاه آموزه های دینی

پریسا احمدی پور^۱، افسانه همتی^۲

^۱ دانشگاه فرهنگیان، کارشناسی علوم تربیتی پردیس علامه طباطبائی

^۲ دانشگاه فرهنگیان، کارشناسی علوم تربیتی پردیس علامه طباطبائی

چکیده

شایسته سالاری، سیستم یا نظامی است که شرایط را برای رهبری و مدیریت افراد نخبه و توانمند مهیا می سازد. نبود شایسته سالاری در جامعه، اتلاف استعدادهای بالقوه و به تبع آن کاهش کارایی در بخش های مختلف را به دنبال دارد. آنچه در این مقاله در صدد بررسی آنیم، اصل شایسته سالاری براساس آموزه های دینی قرآن و نهج البلاغه می باشد که به روش مروری ساده به آن پرداخته شده است. دین مبین اسلام مملو از آموزه های دینی در باب مدیریت و نظام شایسته سالاری می باشد. شاید بتوان به گونه ای شفاف تر این آموزه ها را در کتاب هدایت انسان یعنی قرآن کریم، گفتار و سیره حضرت علی (ع)، در غنی ترین کتاب حکومت داری یعنی نهج البلاغه، یافت نمود.

واژه های کلیدی

شایسته سالاری، مدیریت، نخبه گرایی، نهج البلاغه، قرآن کریم

مقدمه

نیروی انسانی از با ارزش ترین منابع در سازمان ها می باشند که با تلاش و ایجاد همگانی میان آنها و به کارگیری صحیح از آنها همراه با دیگر اجزای سازمان ها، می توان اهداف سازمانی را تحقق بخشید. این منابع دارای توانایی ها و قابلیت های بالقوه ای هستند که در محیط سازمانی بالفعل می شوند و دستیابی به این هدف، نیازمند درک و شناخت کامل انسان ها و فراهم کردن شرایط مناسب برای کار کردن و تلاش است. یکی از مباحثی که در این زمینه باید بررسی شود، قراردادن افراد در جایگاه های مناسب با توانایی و تجارب و قابلیت آنهاست. این فرآیند در قالب نظام شایسته سالاری بررسی می شود. امروزه یافتن افراد لایق و مناسب، از مهم ترین کار سازمانهاست. در حال حاضر، مهم ترین رقابت در سازمانها یافتن افراد لایق و شایسته است. نظام شایسته سالاری به سازمان ها کمک می کند تا به اهداف خود نائل آیند [۱].

براساس لغت نامه آکسفورد، واژه شایسته سالاری از دو واژه مریت و کراسی ترکیب شده است. کلمه مریت به معنی شایستگی، سزیدن، سزاوار بودن، ارزش، ارزشمند بودن، استحقاق داشتن و

مانند این موارد است. از نظر سیاسی و یا سازمانی واژه « مریت » به مفهوم کیفیت، وضعیت و اقدامی است که مستحق تحسین و پاداش است و واژه « کراسی » نیز به مفهوم حکومت یا روش اداره امور است. بنابراین، شایسته سالاری که واژه ای سیاسی است؛ به مفهوم نظامی از حکومت توسط افراد با موفقیت های بالا است [۲].

فرهنگ نامه د امریکن هریتیج نیز واژه شایسته سالاری را دو گونه معرفی کرده است. یکی نظام یا سیستمی که در آن پیشرفت بر مبنای توانایی یا موفقیت فردی قرار دارد و دیگری تعریفی است که در آن از واژه رهبران و رهبری استفاده شده است. گروهی از رهبران و صاحب منصبان که بر مبنای توانایی و موفقیت فردی انتخاب شده اند و همچنین رهبری به وسیله چنین گروهی. فرهنگ نامه سیاسی آکسفورد در این رابطه بر نخبگان منتخب براساس توانایی به جای زمینه های اجتماعی اشاره دارد. از سوی دیگر فرهنگ نامه ساینس، شایسته سالاری را دولت یا جامعه ای می داند که در آن افراد براساس دستیابی به موقعیت های بالاتر و پست های رهبری، پاداش می گیرند. بر این اساس، همه شهروندان برای شناخته شدن و پیشرفت، نسبت به تواناییها و موفقیت های خود دارای فرصت هستند. فرهنگ نامه ویکپدیا نیز شایسته سالاری را نظام یا سیستمی از دولت یا سازمان معرفی کرده است که در آن توانایی، شایستگی و استعداد به جای ثروت، فامیل بازی، امتیازات طبقاتی، رفیق بازی، شهرت یا دیگر عوامل تاریخی، موقعیت اجتماعی و یا قدرت سیاسی قرار می گیرد. براساس این فرهنگ نامه، شایسته سالاری امروزه به عنوان نوعی جامعه تلقی می گردد که در آن ثروت، مقام و موقعیت اجتماعی از طریق رقابت، استعداد و صلاحیت کشف می شود و بر این فرض اساسی قرار دارد که مناصب، مسئولیت ها و پرستژ های اجتماعی موروثی نبوده و سهمیه ای اختیاری اند [۳].

واژه شایسته سالاری نخستین بار - در برداشتی منفی و تحقیر آمیز - توسط جامعه شناسی انگلیسی بنام مایکل یانگ در کتاب « طلوع شایسته سالاری » مطرح شد. براساس این کتاب آینده نظام اجتماعی توسط نخبگانی رقم می خورد که از ضریب هوشی و تلاش بالایی برخوردارند. بر مبنای کتاب مذکور، در نظام اجتماعی، نهایتاً آحاد و توده جامعه، مغلوب نخبگانی می شوند که متکبرند و